

## استعجال درباره ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف در سنجه آیات و روایات

<sup>۱</sup> محمدهادی منصوری

<sup>۲</sup> آمنه قریب دوست

### چکیده

یکی از مؤلفه‌های آسیب‌زا برای پیروان پیامبران و امامان معصوم علیهم‌السلام در ادوار مختلف، «استعجال» است که این مقوله به دلیل طولانی بودن دوران غیبت، بیش‌تر درباره ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف نمود پیدا می‌کند. گوناگونی آیات و روایات در موضوع عجله، تعجیل و استعجال؛ مطلوب یا نامطلوب بودن استعجال را در ابهام قرار داده است. نوشتار پیش رو با روش توصیفی-تحلیلی، تلاش دارد با قرار دادن استعجال در سنجه آیات و روایات، هنجار یا ناهنجار بودن آن را بررسی کند. از نگاه قرآن و روایات، بین استعجال و تعجیل در امر ظهور تفاوت وجود دارد. استعجال امری ناپسند و مردود است؛ زیرا منشأ آن جهالت است و آسیب‌زاست. از این رو، آیات قرآن و روایات، مؤمنان را از سقوط در باتلاق استعجال برحذر داشته و دو راهکار «نگرشی» و «رفتاری» به ترتیب «تقریب» و «تسلیم» را برای مواجهه با آن بیان کرده‌اند.

**واژگان کلیدی:** استعجال، ظهور منجی، تعجیل، محاضیر، مقرّبون، وقّاتون.

۱. استادیار گروه معارف قرآن و حدیث دانشگاه معارف اسلامی (نویسنده مسئول). mansouri@maaref.ac.ir

۲. دانشجوی کارشناسی‌ارشد مدرسی معارف اسلامی، دانشگاه معارف اسلامی. qaribdoust67@gmail.com

## مقدمه

از آن جا که «باورداشت منجی» از محورهای مشترک همه ادیان است؛ اسلام ناب محمدی در سایه سار بحث امامت، اعتقاد به آمدن عدالت گستر جهانی را مطرح می‌کند. این مهم با چالش‌های گونه‌گونی مواجه است که از مهم‌ترین آن‌ها، آسیب «استعجال» است. هشدارهایی که معصومان علیهم‌السلام در این باره داده‌اند، پژوهشگران عرصه مهدویت را به بازشناخت چالش‌ها و شیوه‌های مواجهه با آن، به منظور دستیابی به اهداف آرمانی و بسترسازی اتمام نعمت الهی فرا می‌خواند. یکی از چالش‌هایی که در قرآن و روایات بدان تصریح شده است، مقوله «استعجال» است که گاهی به عنوان آسیب از آن یاد شده است (رضایی، ۱۳۹۱: ص ۲۲). چالش پیش‌گفته، از جمله چالش‌های اعتقادی است که در عرصه اجتماعی و فرهنگی بازتاب وسیعی دارد. استعجال، به معنای «شتاب در خواستن چیزی است قبل از رسیدن وقت آن و تحقق زمینه‌های لازم برای آن.» برخی منتظران عجول، به خاطر جهل و نداشتن صبر، بی‌معرفتی نسبت به امام و سایر دلایل غیبت امام زمان عجل‌الله‌تعالی‌و‌ترجمه‌الشریف و ... بدون در نظر گرفتن شرایط و سنت‌های الهی، خواهان ظهور آن حضرت عجل‌الله‌تعالی‌و‌ترجمه‌الشریف هستند؛ درحالی که علاوه بر آماده نبودن شرایط تحقق ظهور، خود این افراد آمادگی ظهور حضرت را ندارند (شریف‌رضی، ۱۴۱۴: ص ۲۰۸)؛ لذا حضرات معصوم علیهم‌السلام استعجال را موجب هلاکت می‌دانند؛ چنان‌که امام صادق علیه‌السلام فرمودند: «كَذَّبَ الْوَقَاتُونَ وَ هَلَكَ الْمُسْتَعْجِلُونَ وَ نَجَّى الْمُسْلِمُونَ» (کلینی، ۱۴۰۷: ج ۱، ص ۳۶۸).

چالش استعجال به عصر غیبت اختصاص ندارد. بر اساس آیات قرآن و نیز داده‌های روایی و تاریخی، این چالش در امت‌های پیش از اسلام و نیز در ادوار ائمه علیهم‌السلام وجود داشته است. نهی از استعجال در آیاتی از قرآن نظیر آیه ۵۹ سوره ذاریات، ۳۷ سوره انبیاء و ۱ سوره نحل وجود دارد. مطالعات تاریخی گویای آن است که استعجال، یکی از دلایل حضور یهود در مکه قبل از میلاد پیامبر اکرم صلی‌الله‌تعالی‌و‌آله‌و‌سَلَّمَ بوده است (سمهودی، ۲۰۰۶: ج ۱، ص ۱۲۸). امامان معصوم علیهم‌السلام نیز همواره پیروان خود را از استعجال برحذر داشته و سرنوشت اهل استعجال را «نابودی» برشمرده‌اند. از آن جا که چالش استعجال در عصر غیبت نمود و بروز بیش‌تری دارد و مردمان در عصر غیبت به دلیل طولانی بودن غیبت امام معصوم علیه‌السلام بیش‌تر با آن مواجه‌اند؛ جامعه هدف در پژوهش پیش رو، «دوران غیبت» است.



با توجه به اهتمام اهل بیت علیهم السلام به چالش پیش گفته، پژوهش درباره استعجال و تبیین چیستی و چرایی آن، شناخت ویژگی‌های مستعجلان و آثار و آسیب‌های استعجال در دو بعد اعتقادی و اجتماعی - فرهنگی و راهکارهای مواجهه با آن، ضروری می‌نماید. نوشتار پیش رو تلاش می‌کند این مهم را در حد توان و ظرفیت یک مقاله علمی، به سامان برساند.

### پیشینه

مفسران، به تناسب برخی آیات، قرآن، به روایات استعجال در ظهور منجی اشاراتی دارند (عیاشی، ۱۳۸۰: ج ۲، ص ۲۵۴). در منابع روایی نیز روایات متعددی درباره استعجال وجود دارد (کلینی، ۱۴۰۷: ج ۱، ص ۳۶۸ و ابن‌ابی‌زینب، ۱۳۹۷: ص ۲۹۴). درباره استعجال کتاب مستقلی یافت نشد؛ اما برخی آثار به طور عام به این مسئله پرداخته‌اند؛ مانند مقاله «آثار شتابزدگی در مسئولیت‌های اجتماعی از دیدگاه قرآن و روایات»، نوشته عبدالرحمان علیزاده (علیزاده: ۱۳۹۴) که عجله ممدوح و مذموم را در اجتماع، با توجه به آیات و روایات بررسی کرده است و کتاب «توقیت»، نوشته نجم‌الدین طبسی، که به بررسی سندی و دلالتی برخی روایات استعجال (که همراه توقیت آمده است) اشاره کرده است (طبسی: ۱۳۹۷). تک‌نگاری‌هایی مانند کتاب «اندیشه مهدویت و آسیب‌ها» (جعفری: ۱۳۸۶) و «آسیب‌شناسی جامعه منتظر» (میرتبار: ۱۳۹۰)؛ به استعجال، مختصراً اشاره کرده‌اند. مقالات «چالش استعجال در عصر غیبت» (سهرابی: ۱۳۹۸) و «تبیین سازگاری نهی از استعجال و امر به دعا برای تعجیل فرج» (خانی: ۱۳۹۸) نیز با رویکرد روایی به بحث مذکور پرداخته‌اند.

نوشتار پیش رو تلاش دارد استعجال را در سنجه آیات قرآن و روایات بررسی و ابهام مطلوب یا نامطلوب بودن استعجال را برطرف کند.

### واژه‌شناسی

در ابتدا بایسته است واژه «عجله» و «استعجال»، مترادف‌ها و متضادهای آن تبیین شود:



## استعجال در لغت

«استعجال» از ریشه «ع، ج، ل» است. برخی «عجله» را به معنای طلب کردن چیزی پیش از وقت آن دانسته (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ص ۵۴۸) و برخی «سرعت» را مرادف آن شمرده‌اند (ابن منظور، ۱۴۱۴: ج ۱۱، ص ۴۲۶ و طریحی، ۱۳۷۵: ج ۵، ص ۴۱۹). مصطفوی نیز عجله را سبقت گرفتن و سرعت بخشیدن در کاری بدون صبر کردن برای رسیدن زمانش معنا می‌کند؛ اعم از این که آن کار ممدوح باشد یا مکروه، یا نیت و قصد انجام دهنده کار، خیر باشد یا شر (مصطفوی، ۱۳۶۰: ج ۸، ص ۴۱).

بنابراین، «عجله<sup>۱</sup>» به معنای شتاب کردن در امری است که کامل شدن و تحقق آن امر، مستلزم صبر و شکیبایی است.

اما «استعجال»، باب استفعال، معنای طلب و درخواست دارد<sup>۲</sup> (طریحی، ۱۳۷۵: ج ۵، ص ۴۱۹). ابن منظور، «الإعجال» و «التَّعَجُّلُ» و «استعجال» را یکی دانسته و این سه واژه را به «برانگیختن و وادارکردن به سرعت و طلب عجله<sup>۳</sup>» معنا می‌کند (ابن منظور، ۱۴۱۴: ج ۱۱، ص ۴۲۶).

بر اساس کتاب‌های لغت می‌توان گفت «استعجال» در لغت به معنای طلب و درخواست شتاب کردن در امری است که آن امر برای تحقق، مستلزم صبر است و هنوز زمان تحقق آن نرسیده است.

۱. واژه «عجله» در زبان عربی دارای مترادف‌هایی است، نظیر السَّرعَة، به معنای شتاب (قرشی، ۱۳۷۱: ج ۳، ص ۵۵)؛ الخَفَّة، به معنای «ما یقابل الثقل» (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ص ۲۸۸ و مصطفوی، ۱۳۶۰: ج ۳، ص ۹۴)؛ المبادرة، به معنای سرعت ظاهری و معنوی (مصطفوی، ۱۳۶۰: ج ۱، ص ۲۲۸)؛ السَّبقَة، به معنای تقدم در سیر (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ص ۳۹۴ و مصطفوی، ۱۳۶۰: ج ۵، ص ۴۲). کلمات متضاد عجله عبارتند از: تَأَنَّى، به معنای تَمَكُّث و عدم عجله (فیومی، بی‌تا: ج ۲، ص ۲۸)؛ حِلْم، به معنای کنترل نفس هنگام غلبه غضب و احساسات (مصطفوی، ۱۳۶۰: ج ۲، ص ۲۷)؛ ثبات، به معنای عدم عجله (ابن منظور، ۱۴۱۴: ج ۲، ص ۱۹)؛ بَطء، به معنای تأخیر کردن (قرشی، ۱۳۷۱: ج ۱، ص ۱۹).

۲. استعجلته: طلبت عجلته

۳. الاستعجال: والإعجال والتَّعَجُّلُ واحد؛ بمعنی الاشتیخاٹ و طَلَبِ العَجَلِ.

## استعجال در اصطلاح مفسران

«استعجال» در اصطلاح مفسران، با استعجال از نگاه ارباب لغت هم معنا است. از این رو در تفسیر المیزان آمده است:

تعجیل در هر چیز، به معنای آوردن آن به سرعت و عجله است و استعجال به چیزی، به معنای آن است که بخواهیم چیزی به سرعت و عجله حاصل شود (طباطبایی، ۱۴۱۷: ج ۱۰، ص ۲۱).

## طرح بحث

در نگاه اولیه، آیاتی نظیر «و سَارِعُوا إِلَى مَعْفِرَةٍ مِنْ رَبِّكُمْ» (آل عمران: ۱۲۷) و «فَاسْتَبِقُوا الْحَيَاتِ» (بقره: ۱۵۳) و ادعیه طلب تعجیل فرج حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۵۳، ص ۹۷ و طوسی، ۱۴۱۱: ج ۱، ص ۵۸)؛ با روایاتی نظیر «هلک المستعجلون» (کلینی، ۱۴۰۷: ج ۱، ص ۳۶۸)؛ ناسازگار است. پرسش این جاست که دوگانگی مذکور در آیات و روایات زمینه شتاب در امر فرج از چه روست و چگونه قابل حل است؟

برای دستیابی به حقیقت امر و رفع ابهام از این مقوله، باید دانست بر خلاف باور برخی که عجله را مطلقاً ناشایست دانسته‌اند (طبرسی، ۱۳۷۲: ج ۲، ص ۸۱۴؛ عسکری، ۱۴۰۰: ص ۱۹۸ و طیب، ۱۳۷۸: ج ۳، ص ۳۲۱)؛ عجله دارای دو قسم «ممدوح» و «مذموم» است (طباطبایی، ۱۴۱۷: ج ۶، ص ۳۱ و جوادی آملی، ۱۳۸۸: ج ۱۶، ص ۳۸۰). در تفسیر تسنیم آمده است:

سرعت و عجله می‌توانند ممدوح یا مذموم باشند. عجله در خیر مانند آنچه درباره وعده الهی مطرح است: «وَعَدَكُمْ اللَّهُ مَغَانِمَ كَثِيرَةً تَأْخُذُونَهَا فَعَجَلْ لَكُمْ هَذِهِ» (فتح: ۲۰)؛ عجله حضرت موسی علیه السلام که قبل از قوم خود به طرف میقات خدا حرکت کرد: «و ما أَعْجَلَكَ عَنْ قَوْمِكَ يَا مُوسَى» (طه: ۸۳) و عجله آن حضرت برای جلب رضایت الهی: «... وَعَجَلْتُ إِلَيْكَ رَبِّ لِتَرْضَى» (طه: ۸۴)؛ و عجله در شر؛ مانند آنچه درباره وعید خدا برای چشیدن عذاب طرح می‌شود: «وَيَسْتَعْجِلُونَكَ بِالْعَذَابِ وَلَنْ يُخْلِفَ اللَّهُ وَعْدَهُ» (حج: ۴۷) (جوادی آملی، ۱۳۸۸: ج ۱۶، ص ۳۸۰).

تعجیل در امر فرج، نظیر عجله حضرت موسی علیه السلام (طه: ۸۴) ممدوح است؛ اما استعجال در نظام آیات قرآن کریم و نیز روایات مهدوی از گونه «طلب عجله ناشایست» است. برای اثبات



این مطلب بایسته است ابتدا کاربردهای قرآنی و روایی استعجال بیان گردد و سپس چرایی ناپسند بودن استعجال از نگاه قرآن و روایات بررسی شود.

## کاربردهای قرآنی استعجال

واژه «استعجال» در قالب‌های گونه‌گون در ۲۰ آیه قرآن آمده است<sup>۱</sup> و در همه موارد معنای مذموم دارد. در ۴ مورد از این آیات، صریحاً از استعجال نهی شده است: (ذاریات: ۵۹؛ احقاف: ۳۵؛ انبیاء: ۳۷ و نحل: ۱). حدود دو سوم آیات استعجال، به اقوامی مربوط می‌شوند که اهل استعجال بوده و به دلیل استعجال در عذاب الاهی به هلاکت رسیده‌اند. بر اساس آیه ۲۳ و ۲۴ احقاف، قوم حضرت هود عَلَيْهِ السَّلَام به علت جهلشان، دچار استعجال شدند و در نهایت به هلاکت رسیدند.

در آیه ۶ سوره رعد، «طلب سیئه» به «طلب عذاب» معنا شده است (طبرسی، ۱۳۷۲: ج ۶، ص ۴۲۶ و طیب، ۱۳۷۸: ج ۷، ص ۳۰۸) و آیه در مقام تعجب از بیان استهزا و تمسخر پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ توسط کافران و مجرمانی است که با وجود آگاهی از عذاب امت‌های قبلی به خاطر استعجال در عذاب؛ همچنان از پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، استعجال در عذاب دارند (طباطبایی، ۱۴۱۷: ج ۱۱، ص ۳۰۱). در معنای آیه ۴۶ سوره نمل نیز، علامه معنای «استعجال به سیئه قبل از حسنه» را عجله در طلب عذاب، قبل از طلب رحمت الاهی بیان می‌کند و نتیجه می‌گیرد که حضرت صالح عَلَيْهِ السَّلَام این توبیخ را زمانی مطرح کرد که قومش ناقه را کشته و به وی گفته بودند: «یا صالحُ

۱. (انعام: ۵۷) «كَذَّبْتُمْ بِمَا عِنْدِي مَا تَسْتَعْجِلُونَ» (انعام: ۵۸)؛ «مَا تَسْتَعْجِلُونَ بِهِ» (یونس: ۱۱) «وَلَوْ يُعَجِّلُ اللَّهُ لِلنَّاسِ الشَّرَّ اسْتِعْجَالَهُمْ بِالْخَيْرِ» (یونس: ۵۰)؛ «مَا ذَا يَسْتَعْجِلُ مِنْهُ الْمُجْرِمُونَ» (یونس: ۵۱)؛ «كُنْتُمْ بِهِ تَسْتَعْجِلُونَ» (رعد: ۶)؛ «وَيَسْتَعْجِلُونَكَ بِالسَّيِّئَةِ قَبْلَ الْحَسَنَةِ» (نحل: ۱)؛ «أَتَى أَمْرَ اللَّهِ فَلَا تَسْتَعْجِلُوهُ» (انبیاء: ۳۷)؛ «فَلَا تَسْتَعْجِلُونَ» (حج: ۴۷)؛ «وَيَسْتَعْجِلُونَكَ بِالْعَذَابِ» (شعراء: ۲۰۴)؛ «أَفَبِعَذَابِنَا يَسْتَعْجِلُونَ» (نمل: ۴۶)؛ «يَا قَوْمِ لِمَ تَسْتَعْجِلُونَ» (نمل: ۷۲)؛ «بَعْضُ الَّذِي تَسْتَعْجِلُونَ» (عنكبوت: ۵۳)؛ «وَيَسْتَعْجِلُونَكَ بِالْعَذَابِ» (عنكبوت: ۵۴)؛ «يَسْتَعْجِلُونَكَ بِالْعَذَابِ» (صافات: ۱۷۶)؛ «أَفَبِعَذَابِنَا يَسْتَعْجِلُونَ» (شوری: ۱۸)؛ «يَسْتَعْجِلُ بِهَا الَّذِينَ» (أحقاف: ۲۴)؛ «بَلْ هُوَ مَا اسْتَعْجَلْتُمْ بِهِ رِيحٌ» (أحقاف: ۳۵)؛ «وَلَا تَسْتَعْجِلْ لَهُمْ» (ذاریات: ۱۴)؛ «كُنْتُمْ بِهِ تَسْتَعْجِلُونَ» (ذاریات: ۵۹)؛ «مِثْلَ ذُنُوبِ أَصْحَابِهِمْ فَلَا يَسْتَعْجِلُونَ».

اَتَيْنَا بِمَا تَعِدُنَا اِنْ كُنْتَ مِنَ الْمُرْسَلِينَ﴾ (اعراف: ۷۷). از این رو، جمله ﴿لَوْلَا تَسْتَعْفِرُونَ اللّٰهَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ﴾، تحریک و تشویق به ایمان و توبه است، تا شاید خدا به ایشان رحم کند و عذابی که به ایشان وعده داده است، از آنان بردارد (طباطبایی، ۱۴۱۷: ج ۱۵، ص ۳۷۳). بر این اساس، استعجال در آیه ۴۶ سوره نمل همچون دیگر آیات استعجال، کاربستی مذموم دارد.

اما در آیه ۱۱ سوره یونس که می‌فرماید: ﴿وَلَوْ يُعِجِلُ اللّٰهُ لِلنَّاسِ الشَّرَّ اسْتِعْجَالَهُمْ بِالْخَيْرِ لَقَضِيَ اِلَيْهِمْ اَجَلُهُمْ فَذَرُ الَّذِينَ لَا يَرْجُونَ لِقَاءَنَا فِي طُغْيَانِهِمْ يَعْمَهُونَ﴾؛ درباره «اسْتِعْجَالَهُمْ بِالْخَيْرِ» چند احتمال وجود دارد:

الف) اضافه مصدر به مفعول است؛ یعنی «استعجال الله الناس بالخیر». به عبارت دیگر، فاعل استعجال خدا است (ابن عاشور، بی‌تا: ج ۱۱، ص ۳۱ و طبرسی، ۱۳۷۷: ج ۵، ص ۱۴۱). پس «استعجالهم بالخیر»، بدان معناست که خدا در خیر رسانی سرعت و عجله؛ ولی در نزول عذاب، تأنی دارد و «مهلت دهی»، سنت خداست (قرائتی، ۱۳۸۳: ج ۵، ص ۱۸۸). برخی نیز استعجال را در این صورت به معنای مبالغه می‌دانند، نه طلب (شریف‌لاهیجی، ۱۳۷۳: ج ۲، ص ۳۴۴). محمود صافی معتقد است «استعجال ناس» در آیه به جای تعجیل خدا در خیر رسانی آمده است که در علم بلاغت به آن «تنکیت» گویند (صافی، ۱۴۱۸: ج ۱۱، ص ۸۷).

ب) اضافه مصدر به فاعل است؛ یعنی استعجال مردم نسبت به خیر. بیش تر مفسران بر همین باورند (مغنیه، ۱۴۲۴: ج ۴، ص ۱۳۹؛ قمی، ۱۳۶۷: ج ۱، ص ۳۰۹؛ طباطبایی، ۱۴۱۷: ج ۱۰، ص ۲۱ و مصطفوی، ۱۳۸۰: ج ۱۰، ص ۳۴۲).

### تحلیل و بررسی

به نظر می‌رسد احتمال الف با سیاق آیه سازگاری ندارد؛ زیرا آیات ۱۱ تا ۱۴ سوره یونس در یک سیاق‌اند و علت مهلت الهی و عدم عجله خدای متعال در نزول عذاب در این آیات، امتحان مشرکان و کافران دانسته شده است تا آنچه در باطن دارند، به صورت ارتکاب گناه بیرون بریزند (طباطبایی، ۱۴۱۷: ج ۱۰، ص ۲۱). همچنین برخی مفسران معتقدند این آیات در مقام بیان پاداش و کیفر بدکاران و دنیاطلبان و غافلان از آخرت است (طبرسی، ۱۳۷۲: ج ۵، ص ۱۴۲ و مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ج ۸، ص ۲۳۷). پس، بر اساس تفاسیر، در این جا خدای سبحان در مقام



بیان مهلت دهی به کافران است.

قول به «تنکیت» نیز استعجال مردم را مدح نمی‌کند؛ زیرا زیبا کننده معنا در تنکیت، تعجیل خدا در خیر رسانی است؛ نه استعجال مردم به خیر. در ضمن بنا بر قول به تنکیت، باز هم فاعل استعجال خدا نیست؛ بلکه مراد این است که خدای سبحان در خیر رسانی به مردم تعجیل دارد و استعجال مردم که در آیه جانشین تعجیل خدا شده است؛ در تعجیل خدا در خیر رسانی ریشه دارد.

همچنین سایر موارد کاربرد استعجال در قرآن، مؤید استعجال بشری است، نه استعجال الاهی.

به زعم نگارنده، قول دوم با سیاق آیات ۱۱ تا ۱۴ سوره یونس و کار بست استعجال در سایر آیات قرآن سازگارتر است؛ زیرا به جز آیه مورد بحث (که تبیین آن گذشت) در تمام مواردی که واژه استعجال در قرآن به کار رفته، مراد استعجالی است که از سوی بشر رخ می‌دهد. استعجال بشری نیز در جهل یا عجول بودن انسان (الإسراء: ۱۱) ریشه دارد؛ ولی خدای تعالی در فرستادن شر عجله نمی‌کند، آن طور که انسان‌ها در رسیدن به خیر عجله می‌کنند؛ برای این که اساس سنت خداوند حکمت است، به خلاف سنت بشر که بر نادانی او مبتنی است (طباطبایی، ۱۴۱۷: ج ۱۰، ص ۲۲). به عبارت دیگر، انسان طبیعتاً موجودی عجول است و در هر کار و در هر چیز که خیر و نفعش در آن باشد، عجله می‌کند؛ یعنی از اسباب می‌خواهد که در رسیدن به نتیجه‌ای که خودش می‌خواهد، عجله کند، و چون سبب حقیقی هر چیزی خدای تعالی است؛ انسان در حقیقت عجله را از خدای سبحان می‌خواهد. پس این خواست بشر سنت اوست؛ سنتی بی جا که اساسش هواهای نفسانی انسان است (همان).

### کاربرد روایی استعجال

«استعجال» در بیش تر روایات نیز به صورت مذموم آمده است.<sup>۱</sup> دو محور اصلی روایات عبارتند

۱. استعجال در روایات با محوریت استعجال در امر ظهور منجی (کلینی، ۱۴۰۷: ج ۱، ص ۳۶۸؛ همان، ج ۳، ص ۱۳۲ و نعمانی، ۱۳۹۷: ص ۱۹۶)؛ استعجال شهوت (طوسی، ۱۴۰۷: ج ۳، ص ۷۴ و کفعمی، ۱۴۰۵: ص ۵۶۶)؛



از:

الف) روایاتی که از استعجال در اجابت دعا نهی کرده است (کلینی، ۱۴۰۷: ج ۲، ص ۴۹۰؛ طبرسی، ۱۳۸۵: ص ۷۵ و حرعاملی، ۱۴۰۹: ج ۷، ص ۵۵)؛

ب) روایاتی که استعجال در امر حاکمیت حق و ظهور منجی را ناپسند دانسته است (کلینی، ۱۴۰۷: ج ۱، ص ۳۶۸).

براساس داده‌های روایی در حوزه مهدویت، استعجال در امر حاکمیت حق و ظهور منجی نیز امری مذموم است و معصومان علیهم‌السلام هشدار داده‌اند فرجام کسانی که استعجال کنند، هلاکت خواهد بود. در روایتی آمده است:

إِبْرَاهِيمَ بْنِ مِهْزَمٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: ذَكَرْنَا عِنْدَهُ مُلُوكَ آلِ فُلَانٍ فَقَالَ إِنَّمَا هَلَكَ النَّاسُ مِنْ اسْتِعْجَالِهِمْ هَذَا الْأَمْرُ إِنَّ اللَّهَ لَا يَعْجَلُ لِعِجَلَةِ الْعِبَادِ إِنَّ هَذَا الْأَمْرَ غَايَةٌ يَنْتَهِي إِلَيْهَا فَلَوْ قَدْ بَلَغُوا مَا يَسْتَقْدِمُوا سَاعَةً وَمَا يَسْتَأْخِرُوا؛ ابراهیم بن مهزوم می‌گوید: راوی می‌گوید: در محضر امام صادق علیه السلام از پادشاهان فلان خاندان (بنی عباس) (فیض کاشانی، ۱۴۰۶: ج ۲، ص ۱۴۲)؛ سخن به میان آوردیم، حضرت علیه السلام فرمود: «مردم به واسطه شتابزدگی‌شان در این امر هلاک شدند. به راستی که خداوند برای شتاب‌بندگان شتاب نمی‌کند؛ هر آینه برای این امر پایانی هست که باید به آن برسد، و اگر مردم به آن رسیدند، نمی‌توانند آن را یک ساعت جلو بیاورند و نه به تأخیر بیاندازند» (کلینی، ۱۴۰۷: ج ۱، ص ۳۶۹).

در این روایت، مراد از «هَذَا الْأَمْرِ»، «غلبه حق یا برانداختن دولت باطل» (مجلسی، ۱۴۰۴: ج ۴، ص ۱۷۹) است و ملاحظه مازندرانی مراد از هلاکت در عبارت «إِنَّمَا هَلَكَ النَّاسُ مِنْ اسْتِعْجَالِهِمْ هَذَا الْأَمْرِ» را هلاکت اخروی می‌داند و می‌گوید:

والحصر من باب المبالغة لان الاستعجال من أعظم أسباب الهلاك حتى استدلت طائفة بعدمه على عدم وجود صاحب هذا الامر وارتدوا عن دينهم (مازندرانی، ۱۳۸۶: ج ۶، ص ۳۱۸).

→

استعجال در اجابت دعا (حرعاملی، ۱۴۰۹: ج ۷، ص ۵۵ و کافی، ۱۴۰۷: ج ۲، ص ۴۹۰)؛ استعجال هنگام غذا (نوری، ۱۴۰۸: ج ۱۶، ص ۲۳۳)؛ استعجال در نماز (کلینی، ۱۴۰۷: ج ۲، ص ۴۷۴؛ ابن بابویه، ۱۴۱۳: ج ۱، ص ۴۱۶ و طوسی، ۱۳۹۰: ج ۱، ص ۳۰۷) و ... به کار رفته است.



با توجه به سیاق روایت و دیدگاه شارحان و روایات دیگر که «صاحب الأمر» را امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف معرفی می‌کنند (کلینی، ۱۴۰۷: ج ۱، ص ۳۳۶)؛ مراد از «لهذا الأمر»، تحقق ظهور و تشکیل حکومت حق توسط حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف است.

براساس روایتی دیگر، امام صادق عجل الله تعالی فرجه الشریف در مواجهه با کسانی که به دلیل حرص بر ظهور دین حق، استعجال داشتند (مازندرانی، ۱۳۸۲: ج ۱۲، ص ۳۶۹)؛ چنین فرمودند: «إِنَّ اللَّهَ - عَزَّ ذِكْرُهُ - لَا يُعَجِّلُ لِعَجَلَةِ الْعِبَادِ؛ همانا خدا به خاطر شتابزدگی بندگان، عجله نمی‌کند» (کلینی، ۱۴۰۷: ج ۱، ص ۳۶۹). ناگفته پیداست که مصداق اتم ظهور حق، ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف و گسترش عدل الهی توسط ایشان است.

در روایتی دیگر آمده است:

سَمِعْتُ أَبَا جَعْفَرٍ مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ بْنِ مُوسَى الرِّضَا عجل الله تعالی فرجه الشریف يَقُولُ الْإِمَامُ بَعْدِي ابْنِي عَلِيُّ أَمْرُهُ أَمْرِي ... وَ يَكْذِبُ فِيهَا الْوَقَاتُونَ وَيَهْلِكُ فِيهَا الْمُسْتَعْجِلُونَ وَيَنْجُو فِيهَا الْمُسْلِمُونَ؛ صقر بن ابی دلف می‌گوید: از ابو جعفر محمد بن علی الرضا عجل الله تعالی فرجه الشریف شنیدم که فرمود: «امام و پیشوای پس از من پسر من، علی است. فرمان او فرمان من ... و تعیین کنندگان وقت در غیبت، دروغ می‌گویند؛ مستعجلان در آن به هلاکت می‌رسند و تسلیم شدگان در آن نجات می‌یابند» (ابن بابویه، ۱۳۹۵: ج ۲، ص ۳۷۸ و رازی، ۱۴۰۱: ص ۳۸۴).

### چرایی ناپسند بودن استعجال درباره ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف

از بررسی آموزه‌های دینی، ناپسند بودن استعجال در سنجه قرآنی و روایی، دو دلیل عمده دارد:

#### یکم. جهل، منشأ استعجال

«جهل» ریشه اصلی استعجال است. جهل به معنای «ناآگاهی» در مقابل علم (ابن‌منظور، ۱۴۱۴: ج ۱۱، ص ۱۲۹ و راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ص ۲۰۹) و به معنای «نادانی» در مقابل عقل است (قرشی، ۱۳۷۱: ج ۲، ص ۸۰). در فرهنگ قرآنی و روایی، کسانی که عقل خویش را به کار



نمی‌گیرند، جاهل و جزء جنود جهلند.<sup>۱</sup> مراد از جهل مستعجلان، می‌تواند هر دو قسم از اقسام جهل باشد؛ اما براساس آیات و روایات، محور اصلی در استعجال، جهل به معنای عدم کاربست عقل است؛ چرا که بر اثر چنین جهلی است که «بی‌بصیرتی» محقق و حق‌گریزی و حق‌ستیزی پدیدار می‌شود. از این رو، علامه طباطبایی ذیل آیه ۴۸ سوره یونس، علت استعجال را جهل و نادانی مشرکان می‌داند (طباطبایی، ۱۴۱۷: ج ۱۰، ص ۷۲). همچنین در آیه ۳۹ سوره انبیاء، جهالت، علت استعجال کافران عنوان شده است (طبرسی، ۱۳۷۲: ج ۷، ص ۷۷ و مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ج ۱۳، ص ۴۰۹). جهل ملازم و همراه اضطراب و بی‌قراری است؛<sup>۲</sup> از این رو، پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ درباره عجله ناپسند فرموده‌است: «الْعَجَلَةُ مِنَ الشَّيْطَانِ» (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۶۸، ص ۳۴۰). فرد مستعجل همواره دچار استرس و اضطراب است که به همین دلیل نمی‌تواند به درستی تصمیم بگیرد و لذا دچار هلاکت می‌شود. بر همین اساس، در برخی روایات از اهل استعجال به «محاضیر» یاد شده‌است.<sup>۳</sup> واژه «محاضیر»، جمع «محضیر»، به معنای بسیار تند رونده است. طبق روایت ابی‌مرهف از امام باقر عَلَيْهِ السَّلَامُ<sup>۴</sup> (کلینی، ۱۴۰۷: ج ۸، ص ۲۷۳) و سخن علامه مجلسی در تبیین محاضیر<sup>۵</sup> می‌توان گفت آن‌گونه که اسب محضیر بر اثر تند روی گرد و غبار ایجاد می‌کند، فرد مستعجل نیز با شتابزدگی توان صحیح دیدن را از دست می‌دهد و در تشخیص حق از باطل سرگردان می‌ماند. بنابراین، مستعجلان در غیبت امام زمان عَجَلُ الْمُنْتَهَى وَرَجَاءُ الشَّرِّ، گاهی

۱. تقابل عقل و جهل را می‌توان در کتاب عقل و جهل از الکافی (کلینی، ۱۴۰۷: ج ۱، ص ۱۰) ملاحظه کرد.

۲. «إِنَّ الْجَهْلَ يَلْزِمُ الْاضْطِرَابَ، كَمَا أَنَّ الْعِلْمَ وَالْيَقِينَ يَلْزِمَانِ الطَّمَأْنِينَةَ، فَتَفْسِيرُ الْجَهْلِ بِالْحَرَكَةِ وَالْاضْطِرَابِ تَفْسِيرٌ بِاللَّازِمِ وَالْأَثَرِ» (مصطفوی، ۱۳۶۰: ج ۲، ص ۱۳۲).

۳. «فَإِذَا قَامَ قَائِمُنَا بَعَثْنَاهُمْ اللَّهُ، فَأَقْبَلُوا مَعَهُ يَلْبُؤْنَ زَمْرًا زَمْرًا، فَعِنْدَ ذَلِكَ يَرْتَابُ الْمُبْطُلُونَ، وَيَضْمَحِلُّ الْمُجَلُونَ وَ قَلِيلٌ مَّا يَكُونُونَ، هَلَكَتِ الْمَحَاضِيرُ، وَ نَجَا الْمُقَرَّبُونَ...» (کلینی، ۱۴۰۷: ج ۸، ص ۲۷۴).

۴. «أَبِي الْمُرْهَفِ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: الْعَبْرَةُ عَلَيَّ مَنْ أَتَاهَا هَلَكَ الْمَحَاضِيرُ قُلْتُ جُعِلْتُ فِدَاكَ وَ مَا الْمَحَاضِيرُ قَالَ الْمُسْتَعْجِلُونَ أَمَا إِنَّهُمْ لَنْ يَرِيدُوا إِلَّا مَنْ يَعْزُضُ لَهُمْ...».

۵. «قوله عَلَيْهِ السَّلَامُ: «هلک المحاضیر» أی المستعجلون فی ظهور دولة الحق قبل أوانها و لعله من الحضر بمعنی العدو، یقال فرس محضیر أی کثیر العدو» (مجلسی، ۱۴۰۴: ج ۲۶، ص ۲۸۰). «الْفَرَسُ مِحْضِيرٌ إِذَا كَانَ شَدِيدَ الْحَضْرِ، وَ هُوَ الْعَدُوُّ» (حسینی زبیدی، ۱۴۱۴: ج ۶، ص ۲۸۶).

در تشخیص رهبر الاهی و گاهی در آزمون‌های دوران غیبت حیرانند. در روایت آمده است: «أَمَّا إِنَّ لَهُ غَيْبَةً يَحَارُّ فِيهَا الْجَاهِلُونَ؛ همانا برای ایشان عَلَيْهِ السَّلَام، غیبتی است که جاهلان در آن سرگردان می‌شوند» (ابن بابویه، ۱۳۹۵: ج ۲، ص ۴۰۹). بر همین اساس نتیجه عدم معرفت نسبت به امام معصوم عَلَيْهِ السَّلَام مرگ جاهلی است (ابن بابویه، ۱۳۸۵: ج ۱، ص ۹). و مرگ جاهلی، نشانه زندگی جاهلانه است (جوادی آملی، ۱۳۸۹: ص ۲۹). واژه «محاضیر» در برخی روایات به صورت «محاصیر» آمده است (طریحی، ۱۳۷۵: ج ۳، ص ۲۷۱). با توجه به بیان فیض کاشانی (فیض کاشانی، ۱۴۰۶: ج ۲۴، ص ۲۵۳)، ذیل روایت مربوط (کلینی، ۱۴۲۹: ج ۱۵، ص ۶۲۲)؛ اهل استعجال دارای ضیق صدر (به معنای عدم شرح صدر و عدم بصیرت در دین و عدم ثبات امر) هستند. همچنین بر مبنای بیان علامه مجلسی ذیل این روایت<sup>۱</sup> و معنای شرح صدر<sup>۲</sup> و ضیق صدر<sup>۳</sup> روشن می‌شود که ضیق صدر، بستر ضلالت و موجب هلاکت است.

## دوم. آسیب‌زا بودن استعجال

همان‌طور که قبلاً اشاره شد، رویکرد استعجال در تمامی امت‌ها و زمان‌های مختلف وجود داشته است؛ اما این رویکرد در آخرالزمان به علت غیبت امام عصر عَلَيْهِ السَّلَام بیش‌تر مورد ابتلا است، و نمود بیش‌تری دارد و آسیب‌های آن نیز بیش‌تر به چشم می‌آید. بیش‌ترین آسیب‌ها در دو حوزه اعتقادی و اجتماعی - فرهنگی ملاحظه می‌شوند:

### الف) آسیب‌های اعتقادی

از جمله آسیب‌های اعتقادی استعجال عبارتند از:

۱. رَبِّمَا يَقْرَأُ بِالْصَادِقِ مِنْ حَصْرِ النَّفْسِ وَ ضَيْقِ الصَّدْرِ، كَمَا قَالَ تَعَالَى: «حَصْرَتْ صُدُورُهُمْ» (النساء: ۹۰) (مجلسی، ۱۴۰۴: ج ۱۳، ص ۲۹۲).
۲. شرح الصدر انبساط فيه و رفع الانقباض ليستعد لقبول النور والایمان (مصطفوی، ۱۳۶۰: ج ۶، ص ۳۳).
۳. يدلُّ على أنَّ الشرح يقابل القبض والضيق: قوله تعالى في الآية (انعام: ۱۲۵): «وَمَنْ يُرِدْ أَنْ يُضِلَّهُ يَجْعَلْ صَدْرَهُ ضَيِّقًا حَرَجًا كَأَنَّمَا يَصْعَدُ فِي السَّمَاءِ» فكما أنَّ الانشراح يكون وسيلة للهداية: فالتضييق أيضا وسيلة الضلالة (مصطفوی، ۱۳۶۰: ج ۶، ص ۳۳).



## پدید آمدن روحیه یأس و ناامیدی در مستعجل

انسان مستعجل به علت شتابزدگی که برای تحقق ظهور دارد، با برآورده نشدن انتظار خویش، از ظهور حضرت عجل الله تعالی فرجه الشریف ناامید و حتی از رحمت خدا روی گردان می‌شود!

در روایات، استعجال در اجابت دعا نهی شده است<sup>۱</sup> (کلینی، ۱۴۰۷: ج ۲، ص ۴۹۰؛ طبرسی، ۱۳۸۵: ص ۷۵ و حرعاملی، ۱۴۰۹: ج ۷، ص ۵۵)؛ زیرا مستعجل دچار ناامیدی و ترک دعا می‌شود که این، در واقع ترک ارتباط با خداست. سرآمد دعاها، دعای فرج و گشایش در امر جهان با ظهور منجی انسان‌ها است. در آخرالزمان فرد مستعجل، به علت طولانی شدن غیبت امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف، تحمل خود را از دست داده، دچار ناامیدی می‌شود. براساس فرمایش امیرمؤمنان علیه السلام «ناامیدی از روح الله» ناامیدی از ظهور حجت خداست (حرانی، ۱۴۰۴: ص ۱۰۶ و ابن بابویه، ۱۳۶۲: ج ۲، ص ۶۱۶) که خدای سبحان از آن نهی و در آیه ۸۷ سوره یوسف فرموده است: ﴿وَلَا تَيَاسُوا مِنْ رَوْحِ اللَّهِ إِنَّهُ لَا يَيَاسُ مِنْ رَوْحِ اللَّهِ إِلَّا الْقَوْمُ الْكَافِرُونَ﴾ (یوسف: ۸۷).

بر این اساس، استعجال موجب ناامیدی است که به فرموده قرآن مجید در جهل ریشه دارد (حجر: ۵۶). ناامیدی و یأس، سرد کننده‌ترین<sup>۲</sup> و سرایت پذیرترین آفات انتظار است؛ زیرا یأس فردی از طریق گفتار و رفتار، به آحاد جامعه منتقل می‌شود و موتور محرک جامعه از حرکت و تلاش می‌ایستد و چنین جامعه‌ای دیگر نمی‌تواند جامعه‌ای منتظر باشد.

## خروج از تعادل در مواجهه با رهبر الاهی

در آخرالزمان و هنگام ظهور حضرت حجت عجل الله تعالی فرجه الشریف، اهل استعجال نمی‌توانند مسیر صحیح را تشخیص دهند و لذا از اولین مخالفان آن حضرت علیه السلام خواهند بود و لذا یا دچار عقب‌گرد خواهند شد، یا به انکار حضرت عجل الله تعالی فرجه الشریف روی می‌آورند. در خطبه ۱۵۰ نهج البلاغه به این آسیب اشاره شده است (شریف رضی، ۱۴۱۴: ص ۲۰۸).

۲. عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ علیه السلام قَالَ: «لَا يَزَالُ الْمُؤْمِنُ بِخَيْرٍ وَرَجَاءٍ وَرَحْمَةٍ مِنَ اللَّهِ مَا لَمْ يَسْتَعْجِلْ فَيَنْقُطْ فَيْتَرَكَ الدُّعَاءَ فَيُقْبَلُ لَهُ كَيْفَ يَسْتَعْجِلُ قَالَ يَقُولُ قَدْ دَعَوْتُ مُنْذُ كَذَا وَكَذَا وَلَا أَرَى الْإِجَابَةَ».

۲. امام صادق علیه السلام فرموده‌اند: «اليأس من روح الله أشدَّ برداً من الزمهرير؛ ناامیدی از رحمت الاهی از زمهریر سردتر است» (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۶۹، ص ۳۳۸).



این خطبه در مجموع از حوادث آینده، پیش‌گویی می‌کند و قرائن و تعبیرات موجود در خطبه، به خوبی نشان می‌دهد که سخنان امام علی عَلَيْهِ السَّلَام در این خطبه اشاره به حوادث پیش از قیام مهدی عَجَلُ اللَّهِ تَعَالَى وَرَحْمَةُ السَّرِيفِ و سپس قیام مبارک اوست. حضرت عَلَيْهِ السَّلَام با ذکر دلیل برای ترک شتاب به این مهم اشاره می‌کنند که برای پیروزی‌های وعده داده شده بعد از فتنه‌ها (به خصوص ظهور مهدی عَجَلُ اللَّهِ تَعَالَى وَرَحْمَةُ السَّرِيفِ) که در عصر خود پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ درباره اقامه عدل و داد در سراسر جهان به وسیله او وعده‌های صریح داده شده است) عجله نکنید؛ چرا که هر چیز زمانی دارد و شرایطی، و تا شرایط آن حاصل نشود، آن پدیده همچون میوه خامی است که آن را از درخت بچینند که بی تردید موجب پشیمانی و ندامت خواهد شد (مکارم شیرازی، ۱۳۸۲: ج ۵، ص ۷۲۳).

طبق فرمایش امیر مؤمنان عَلَيْهِ السَّلَام، افراد برای برون رفت از هلاکت و گمراهی، باید از راه میانه و مستقیمی که کتاب و سنت است؛ حرکت کنند و استعجال باعث دور شدن از این راه مستقیم است (ابن ابی الحدید، ۱۴۰۴: ج ۹، ص ۱۲۸). بنابراین، فرد مستعجل، حتی اگر ظهور را درک کند، از خواسته خود پشیمان می‌شود و آرزو می‌کند که ای کاش حضرت مهدی عَلَيْهِ السَّلَام ظهور نمی‌کرد! چون برای حضور و اجرای دستورهای حضرت ایشان عَجَلُ اللَّهِ تَعَالَى وَرَحْمَةُ السَّرِيفِ آمادگی ندارد و از راه مستقیم فاصله گرفته است.

نمونه بارز چنین مستعجلانی قوم یهود است که پیش از ظهور حضرت رسول صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ به حجاز هجرت و با ظهور حضرت محمد صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فرمان شکنی‌های خود را آغاز کردند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ج ۲۳، ص ۴۸۴).

#### اعتراض به مصلحت الاهی

یکی از آسیب‌های اعتقادی اهل استعجال، «اعتراض به مصلحت الاهی» در تأخیر ظهور است. از این رو، علامه مجلسی ذیل روایت «فَعِنْدَ ذَلِكَ يَرْتَابُ الْمُتَبَطِّلُونَ، وَيَضْمَحِلُّ الْمُحِلُّونَ، وَقَلِيلٌ مَّا يَكُونُونَ، هَلَكَتِ الْمُحَاضِرِيُّ، وَنَجَا الْمُتَقَرَّبُونَ» (کلینی، ۱۴۰۷: ج ۳، ص ۱۳۲)؛ علت ذم استعجال را «اعتراض» دانسته و می‌نویسد: شاید مراد از مذموم بودن، استعجال در طلب فرج حضرت حجت عَجَلُ اللَّهِ تَعَالَى وَرَحْمَةُ السَّرِيفِ و اعتراض بر تأخیر فرج باشد که باعث هلاکت مستعجلان است (مجلسی، ۱۴۰۴: ج ۱۳، ص ۲۹۲).

به عنوان یک نمونه: اعتراض سهل بن خراسانی به امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام نسبت به عدم قیام

حضرت علیه حکام جور، در استعجال او ریشه داشت (ابن شهر آشوب، ۱۳۶۹: ج ۴، ص ۲۳۷؛ جزائری، ۱۴۲۷: ج ۲، ص ۱۷۵ و بحرانی، ۱۴۱۳: ج ۶، ص ۱۱۵).

فرد منتظر، به مصلحت الاهی رضایت دارد و همواره در حال اجرای وظایف خویش است؛ اما مستعجل ناسپاسی می‌کند و نسبت به مصلحت الاهی ناراضی است؛ چنان‌که نجوای فضل کاتب با دوستانش در مجلسی که امام صادق علیه السلام نامه ابومسلم خراسانی را بی‌جواب گذاشتند (کلینی، ۱۴۰۷: ج ۸، ص ۲۷۴)؛ «اعتراض» بر حضرت علیه السلام دانسته شده است (مجلسی، ۱۴۰۴: ج ۲۶، ص ۲۸۱).

### ب) آسیب‌های فرهنگی-اجتماعی

مستعجلان، علاوه بر آسیب‌های اعتقادی، به جامعه و فرهنگ آن آسیب وارد می‌کنند. مهم‌ترین آسیب‌های حوزه فرهنگی - اجتماعی که در بستر استعجال شکل می‌گیرد، به شرح ذیل است:

#### فراگیری ناامیدی و روی‌آوری به مدعیان دروغین مهدویت

یأس و ناامیدی از آفات انتظار است و فرد ناامید و افسرده، ناامیدی را با گفتار و رفتارش به جامعه انتقال می‌دهد و جامعه را از جامعه پویا و منتظر به جامعه‌ای بی‌تفاوت تبدیل می‌کند؛ چرا که مستعجلان جزء نخستین کسانی هستند که «وقاتون» را تأیید می‌کنند؛ به مغرضان باج می‌دهند و مدعیان دروغین را حمایت و در نهایت، با روی‌آوری به آنان دین و دنیای خود را تباہ می‌کنند و جامعه را به سمت هلاکت سوق می‌دهند. چنین پیامدهایی در ناامیدی و یأس مستعجلان از ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف ریشه دارد.

فرد مستعجل چه بسا تحت تأثیر وقاتون و مدعیان دروغین، از دین الاهی خارج و پیرو ولایت طاغوت شود؛ همان‌گونه که عده زیادی از پیروان حضرت موسی علیه السلام به دلیل استعجال در ماجرای غیبت ایشان علیه السلام، به «سامری» که مدعی دروغینی بیش نبود، لیبیک گفتند و گوساله‌پرست شدند (بقره: ۵۱، ۵۴، ۹۲، ۹۳؛ نساء: ۱۵۳؛ اعراف: ۱۴۸-۱۵۰ و طه: ۸۳-۹۸). بر اساس این آیات، سامری از استعجال قوم بنی اسرائیل که به ناامیدی از بازگشت رهبر الاهی‌شان منجر شد سوء استفاده و ایشان را گمراه کرد.



## هدررفت نیروی جامعه

از آسیب‌های مهم استعجال که در عرصه اجتماعی بروز بیش‌تری دارد، «هدررفت نیروی جامعه» است که در کوفه‌بینی برخی پیروان نسبت به هندسه نظام‌مند رهبری ریشه دارد و با سرپیچی از امام جامعه پدیدار می‌شود. امام هادی علیه السلام در زیارت جامعه، مواجهه با معصوم علیه السلام را به زیبایی رفتارشناسی و پیروان را به سه دسته تقسیم فرموده است: «پیشی‌گیرنده»، «عقب‌مانده» و «همراهی‌کننده». سپس در زمینه پیامد هر یک از این رفتارها فرموده‌اند:

فَالرَّاعِبُ عَنْكُمْ مَارِقٌ وَاللَّازِمُ لَكُمْ لَاحِقٌ وَالْمُقَصِّرُ فِي حَقِّكُمْ زَاهِقٌ؛ روی‌گردان از شما، از دین خارج شده‌است، همراه با شما پیوسته‌است؛ کوتاهی‌کننده در حق شما، هلاک است (ابن بابویه، ۱۴۱۳: ج ۲، ص ۶۱۲).

در شرح عبارت مذکور آمده است:

«راغب»، از اولیای معصوم علیه السلام و «معرض» از آن‌ها که حق مدار و عدل محورند و «مارق»، خارج از حق و داخل در باطل خواهد بود؛ چنان‌که تقصیر در حق‌پذیری، زمینه «زهوق» را که حکم قطعی آن بطلان است، همراه خواهد داشت (ر.ک: جوادی آملی، ۱۳۸۸: ج ۶، ص ۲۵۷).

بر این اساس، معیار همراهی، حق‌مداری و عدل‌محوری و پذیرش از معصوم علیه السلام است.

«مارق» شامل افراد روی‌گردان، و افراد پیشی‌گیرنده و مستعجل است که در برابر معصوم علیه السلام از تعادل برخوردار نیستند و باعث هدررفت نیروی جامعه می‌گردند. تاریخ ادوار ائمه علیهم السلام، گویای این حقیقت است که اهل استعجال در لباس «دادخواهی» به تصمیم معصوم علیه السلام معترض شدند و در مقابل ایشان ایستادند؛ پیروانی با پیشانی‌های پینه بسته از تهجد بدون تعمق، مدار حق را نشناختند و با استعجال خویش، هلاکت را عاقبت خود قراردادند (شریف الرضی، ۱۴۱۴: ص ۲۹۸). این‌گونه افراد به ظاهر مسلمان با استعجال خود باعث دور شدن بسیاری از عوام جامعه از دور رهبر الهی شدند و با افروختن آتش جنگ، بین مسلمانان، باعث هدررفت سرمایه‌های جامعه اسلامی شدند، و خسارات زیانباری به وجود آوردند.

پدیداری تزلزل در باورداشت جامعه و انحراف از مسیر سعادت جامعه

یکی از آسیب‌های فرهنگی-اجتماعی مستعجلان، به دلیل اعتراض به مصلحت الهی، تزلزل در باورداشت جامعه و در نهایت انحراف در مسیر سعادت جامعه است. از این رو، امام





صادق علیه السلام، در معنای واژه «بیمارون» در آیه ۱۷ شوری، می فرماید:

يقولون متى ولد؟ ومن رآه؟ وأين يكون؟ ومتى يظهر؟ وكل ذلك استعجالاً لأمر الله وشكاً في قضائه ودخولاً في قدرته، أولئك الذين خسروا الدنيا؛ می گویند: (موعود) چه زمانی متولد شده؟ و چه کسی او را دیده و در کجاست؟ و کی ظاهر می شود؟ تمام این ها از روی استعجال در امر الهی و شک در قضای اوست. آنان در دنیا و آخرت خود زیان کرده اند و پایان بد از آن کافران است (حلی، ۱۴۲۱: ص ۴۳۴؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۵۳، ص ۲ و خصیبه، ۱۴۱۹: ص ۳۹۲-۳۹۳).

بر اساس بیان امام صادق علیه السلام، اهل استعجال در دوران غیبت، در باور داشت خود و دیگران تزلزل ایجاد می کنند، و با طرح شبهاتی مختلف؛ از جمله شبهه درباره چگونگی طول عمر حضرت حجت علیه السلام، باعث انحراف مردم و روی آوری به «وقاتون» می گردند. از منظر آیات قرآن نیز مستعجلان همواره با استهزا و تمسخر و شک در قضای الهی باعث تزلزل در بینش افراد می شوند و مسیر هلاکت را پیش می گیرند. صاحب تفسیر المیزان ذیل آیه ۱۸ شوری می نویسد:

مراد از استعجال کفار به آمدن قیامت، استعجال از باب مسخره است، نه استعجال واقعی، که به راستی خواسته باشند قیامت زودتر تحقق یابد. در قرآن کریم این نوع استهزا به قیامت مکرر از کفار حکایت شده، از آن جمله این است که می گفتند: ﴿مَتَى هَذَا الْوَعْدِ إِنَّ كُنْتُمْ صَادِقِينَ﴾ (طباطبایی، ۱۴۱۷: ج ۱۸، ص ۳۹).

## راهکارهای مواجهه با استعجال

از داده های قرآنی و روایی، دو راهکار اصلی در دو حیطة نگرش و رفتار در زمینه رویارویی با استعجال عنوان شده است:

**یکم. راهکار نگرشی: یقین به آمدنی بودن مهدی موعود علیه السلام؛**

از داده های روایی دانسته می شود، کسانی از هلاکت آخرالزمان نجات می یابند که آمدنی بودن بهار مردمان و خرمی روزگاران (مجلسی، ۱۴۲۳: ص ۵۴۱) را باور داشته باشند. بنابراین، برای مواجهه جامعه اسلامی با استعجال و نجات از هلاکتی که مستعجلان دچار آند؛ مؤمنان باید «مقرب» باشند. در روایتی از امام صادق علیه السلام آمده است:



هَلَكَتِ الْمَحَاضِيرُ قَالَ قُلْتُ وَمَا الْمَحَاضِيرُ قَالَ الْمُسْتَعْجِلُونَ وَنَحَا الْمُتَقَرَّبُونَ وَثَبَّتَ الْحُضْنُ عَلَى أَوْتَادِهَا كَوْنُوا أَخْلَاسَ بِيُوتِكُمْ فَإِنَّ الْعَبْرَةَ عَلَى مَنْ أَثَارَهَا؛ محاضیر هلاک گشتند. گفتیم: محاضیر کیانند؟ فرمودند: «مستعجلان» و مقربان نجات یافتند، و قلعه بر پایه هایش استوار است؛ مانند فرش‌های خانه‌تان باشید. غبار (فتنه) بیش‌تر به کسی می‌رسد که آن را برانگیخته است (ابن‌ابی‌زینب، ۱۳۹۷: ص ۱۹۷).

از واژه «مقربون» (با دو خوانش اسم فاعلی و اسم مفعولی‌اش) دانسته می‌شود برای نجات از هلاکت، باید به تحقق ظهور منجی یقین داشت و در برابر تقدیرات الهی مطیع بود. مرحوم مجلسی می‌نویسد:

و نجا المربون بفتح الراء فإنهم أهل التسليم و الانقياد لا يعترضون على الله تعالى فيما يقضي عليهم أو بكسر الراء أي الذين يقولون الفرج قريب و لا يستبطئونه (مجلسی، ۱۴۰۴: ج ۱۳، ص ۲۹۲).

انسان مقرب، در مقام پیروی از حضرت حق، آنچه را وقوعش یقینی است، نزدیک می‌شمارد. از این‌رو، در قرآن آمده است: ﴿إِنَّهُمْ يَرَوْنَهُ بَعِيدًا وَنَرَاهُ قَرِيبًا﴾ (معارج: ۶-۷). منکران معاد، به دلیل عدم باورداشت، آن را دور می‌پندارند؛ در حالی که خدای سبحان و حزب الله، نزدیکش می‌دانند. سز این نوع، آگاهی و یقینی است که به وقوع رستاخیز وجود دارد. به تعبیری: «کل ما هو آت قريب؛ هر آنچه آمدنی است، نزدیک است» (طباطبایی، ۱۴۱۷: ج ۲، ص ۸). پس، باورمندان به آمدنی بودن مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشريف، آن را نزدیک می‌شمارند و بر اساس روایات «مقرب» اند. از آنچه گفته شد، سز پیمانی که مؤمنان در دعای عهد با امام زمان عليه السلام می‌بندند و در پیشگاه ربوبی عرضه می‌کنند: «عَجَلِ لَنَا ظُهُورَهُ إِنَّهُمْ يَرَوْنَهُ بَعِيدًا وَ نَرَاهُ قَرِيبًا» (کفعمی، ۱۴۰۵: ص ۵۵۲)؛ آشکار می‌گردد.

اهل نجات بودن «مقرب» از این روست که تحقق چنین تقریبی، به اراده و عمل و تحت ولایت خدا مشروط است؛ چنان‌که خداوند فرمود: ﴿لَنْ يَسْتَنْكَفَ الْمَسِيحُ أَنْ يَكُونَ عَبْدًا لِلَّهِ وَلَا الْمَلَائِكَةُ الْمُقَرَّبُونَ﴾ (نساء: ۱۷۲)؛ و عبودیت تکمیل نمی‌شود، مگر وقتی که عبد، تابع محض باشد و اراده و عملش را تابع اراده مولایش کند؛ هیچ چیزی نخواهد، و هیچ عملی نکند، مگر وفق اراده مولایش، و این همان داخل‌شدن تحت ولایت خدا است. چنین کسانی اولیاءالله نیز

هستند، و اولیاء الله تنها همین طایفه اند (طباطبایی، ۱۴۱۷: ج ۱۹، ص ۱۲۱). از این رو، روایات، مصداق بارز مَقْرَبُونَ را «اهل بیت (علیهم السلام)» معرفی کرده‌اند (کوفی، ۱۴۱۰: ص ۵۴۴) و با تمسک به ویژگی‌های مَقْرَبَانِ حقیقی است که می‌توان از هلاکت آخرالزمان نجات یافت.

## دوم. راهکار رفتاری: تسلیم محض بودن

دومین محور نجات از هلاکت استعجال، «تسلیم» است. عبدالرحمن بن کثیر می‌گوید: خدمت امام صادق (علیه السلام) نشسته بودم که مهزم وارد شد و عرض کرد: جانم به قربانت؛ به من خبر دهید امری که در انتظارش هستیم چه زمانی واقع می‌شود؟ فرمود: «ای مهزم! تعیین کنندگان وقت [ظهور] دروغ گفتند؛ مستعجلان هلاک شدند و تسلیم شوندگان نجات یافتند» (کلینی، ۱۴۰۷: ج ۱، ص ۳۶۸).

از این‌گونه روایات (طوسی، ۱۴۱۱: ص ۴۲۶ و ابن بابویه، ۱۴۰۴: ص ۹۵)، دانسته می‌شود کسانی که تسلیم امر الهی و به تعبیر حضرت (علیه السلام)، «مُسْلِمُونَ» اند، از گرداب هلاکتی که مستعجلون گرفتار آند؛ نجات می‌یابند. «تسلیم» نقطه مقابل خصومت و دشمنی و به معنای موافقت شدید ظاهری و باطنی است؛ به گونه‌ای که هیچ اختلافی در بین نباشد. از لوازم «تسلیم»، انقیاد، صلح و رضایت است (مصطفوی، ۱۳۶۰: ج ۵، ص ۱۸۸).

از امام جواد (علیه السلام) چنین روایت شده است:

الإِمَامُ بَعْدِي إِبْنِي عَلِيٍّ أَمْرُهُ أَمْرِي ... وَ يَكْذِبُ فِيهَا الْوَقَائِثُونَ وَ يَهْلِكُ فِيهَا الْمُسْتَعْجِلُونَ وَ يَنْجُو فِيهَا الْمُسْلِمُونَ (ابن بابویه، ۱۳۹۵: ج ۲، ص ۳۷۸ و خزازی، ۱۴۰۱: ص ۲۸۳).

بنابراین، «تسلیم»، به معنای موافقت ظاهری و قلبی در اجرای دستورهای خدای سبحان است. تنها غایت انسان مُسْلِم، تسلیم محض بودن در برابر اوامر و نواهی خداست. او به وظایف خود عمل می‌کند و همواره دارای اطمینان قلب و تأنی و آرامش است و با چنین ویژگی‌یی در کار خیر شتاب می‌ورزد.

براساس روایتی، امام صادق (علیه السلام) (با استناد به آیه ۶۵ سوره نساء) نماز گزاران و روزه دارانی را که در برابر حکم خدا و رسول (صلی الله علیه و آله و سلم) تسلیم نشده‌اند، مشرک دانسته و ضرورت تسلیم را عنوان کرده‌اند (کلینی، ۱۴۰۷: ج ۱، ص ۳۹۰ و عیاشی، ۱۳۸۰: ج ۱، ص ۲۵۵). با تلفیق این روایات می‌توان دانست تنها با تسلیم ظاهری و باطنی در مقابل پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) و ولی خدا است که انسان



از ورطه استعجال نجات می یابد.

### ویژگی های رفتاری باورمندان ظهور منجی (مقربان) و اهل تسلیم

براساس «قاعده تقابل» مقربان و اهل تسلیم، مستعجل نیستند. در روایت «هلکت المحاضیر و نجی المقربون»، واژه «مقربان» وصف کسانی است که ظهور را نزدیک می بینند؛ ولی برای آن استعجال نمی کنند (بحرانی، ۱۴۱۳: ج ۳، ص ۱۱۰). رفتار مقربان و اهل تسلیم بر باورداشت ایشان نسبت به خدای سبحان و یقین به برآورده شدن وعده های الهی مبتنی است؛ چنان که پیامبر اکرم ﷺ به امیرمؤمنان علیه السلام فرمودند: «يَا عَلِيُّ أَعْجَبُ النَّاسِ إِيْمَانًا وَ أَعْظَمُهُمْ يَقِينًا قَوْمٌ يَكُونُونَ فِي آخِرِ الزَّمَانِ لَمْ يَلْحَقُوا النَّبِيَّ وَ حُجِبَ عَنْهُمْ الْحُجَّةُ فَأَمَنُوا بِسَوَادٍ عَلَى بِيَاضٍ» (ابن بابویه، ۱۴۱۳: ج ۴، ص ۳۶۶). از این رو مقربان، با امید به تحقق ظهور حضرت مهدی علیه السلام، زمینه ساز پیدایش حکومت عدل الهی اند.

مهم ترین ویژگی های رفتاری افراد نجات یافته از هلاکت استعجال عبارت است از:

#### یکم. انقیاد (پیروی محض)

یکی از ویژگی های مقربان، «انقیاد» است (مجلسی، ۱۴۰۴: ج ۱۳، ص ۲۹۲). اهل تسلیم، به قضای الهی راضی و کسانی اند که بر امامان خود در آنچه آنان می فرمایند و انجام می دهند، هیچ اعتراضی نمی کنند (مجلسی، ۱۴۰۴: ج ۴، ص ۱۷۴). براساس روایات و بر مبنای احادیث، سهل بن خراسانی ها اهل استعجالند؛ زیرا به عدم قیام امام زمان خویش معترض می شوند و وقتی امام معصوم علیه السلام به آنان ورود به تنور را دستور می دهد، تمرد می کنند؛ اما امثال هارون مکی که اهل تسلیم اند، بدون هیچ اعتراضی از اوامر مولای خویش اطاعت می کنند (ابن شهر آشوب، ۱۳۶۹: ج ۴، ص ۲۳۷؛ جزائری، ۱۴۲۷: ج ۲، ص ۱۷۵ و بحرانی، ۱۴۱۳: ج ۶، ص ۱۱۵). پس معنای «الْإِزْمُ لَكُمْ لَاحِقٌ» در زیارت جامعه کبیره (ابن بابویه، ۱۴۱۳: ج ۲، ص ۶۱۲)، همراهی کننده همیشگی اهل بیت علیهم السلام بوده و روشن است که همراهی با آن ذوات قدسی، با پیروی کردن دائم از آن ها عملی می شود (جوادی آملی، ۱۳۸۸: ج ۶، ص ۲۵۷). بر این اساس، اهل تسلیم در همه شرایط منتظر واقعی ظهورند.



## دوم. استقامت و ثبات امر

فیض کاشانی ذیل روایتی که در محور اول بیان شد، یکی از ویژگی‌های مقربان را «استقامت» و «ثبات امر» می‌داند<sup>۱</sup> (فیض کاشانی، ۱۴۰۶: ج ۲، ص ۴۳۰). ارباب لغت، «ثبات امر» را به تأنی و عدم عجله معنا کرده‌اند (ابن منظور، ۱۴۱۴: ج ۲، ص ۱۹ و طریحی، ۱۳۷۵: ج ۲، ص ۱۹۶). علامه طباطبایی استقامت آدمی را در کار این‌گونه بیان کرده است که انسان از نفس خود بخواهد درباره آن امر قیام و آن را اصلاح کند؛ به طوری که دیگر فساد و نقص به آن راه نیابد و کار، به حد کمال و تمامیت خود برسد (طباطبایی، ۱۴۱۷: ج ۱۱، ص ۴۷). برخی روایات، مصداق اتم استقامت را «استقامت بر ولایت امیرالمؤمنان علی علیه السلام» برشمرده‌اند (قمی، ۱۴۰۴: ج ۲، ص ۲۶۵). استقامت بر امر ولایت از این جهت مصداق اتم استقامت است که پذیرش رهبری ائمه اهل بیت علیهم السلام ضامن بقای خط توحید و روش اصیل اسلام و ادامه عمل صالح است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ج ۲۰، ص ۲۷۱).

## سوم. صبر

در روایات مهدوی به ویژگی «صبر» اشاره و بر آن تأکید شده است. در آخرالزمان، مقربان به «ثبت الحصى علی أوتادهم» توصیف شده‌اند. این عبارت مثلی است که هنگام سختی‌ها از آن استفاده می‌شود و به معنای ثبات مقربان در مقام صبر در مقابل اذیت دشمنان و تحمل آن‌ها بر مکر و حيله‌ها و بلاهاست؛ به گونه‌ای که صبرشان با شبهه‌های دشمنان از بین نمی‌رود؛ آن‌گونه که میخ‌ها با سنگریزه‌ها و حرف‌های مخالفان تکان نمی‌خورند (مازندرانی، ۱۳۸۲: ج ۱۲، ص ۳۹۰).

نعمانی نیز ذیل روایت محاضیر، «مقرَّبون» را وصف صابرائی می‌داند که به وسیله صبر، به قرب خداوند دست یافتند (ابن ابی زینب، ۱۳۹۷: ص ۱۹۷)؛ همان‌گونه که علامه طباطبایی در تفسیر آیه «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا صَبِّرُوا وَ صَابِرُوا وَ رَابِطُوا وَ اتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ» (آل عمران: ۲۰۰)؛ صبر در «اصبروا» را صبر فردی دانسته و به صبر بر شدايد، صبر در طاعت الاهی و صبر بر

۱. «و ثبت الحصى علی أوتادهم کأَنَّه کناية عن استقامة امرهم و ثباته».

معصیت معنا می‌کند (طباطبایی، ۱۴۱۷: ج ۴، ص ۹۱) و لذا می‌توان دانست، صبر فردی انسان‌های مقرب، بستر پیروی از «صابروا و رابطوا» را که به صبر اجتماع ناظر است؛ فراهم می‌کند و چنین افرادی با صبرشان در آخرالزمان برای ظهور امام زمان عجل الله فرجه آماده می‌شوند و به دلیل شرح صدری که دارند، نور ایمان در دل‌هایشان به فعلیت می‌رسد. بر همین اساس است که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم در جواب جنبل فرمودند: «طُوبَى لِلصَّابِرِينَ فِي غَيْبَتِهِ» (مجلسی ۱۴۰۳: ج ۳۶، ص ۳۰۶).



## نتیجه‌گیری

چالش «استعجال» به عصر غیبت اختصاص ندارد. بنابر این، در هر دوره‌ای به فراخور نیاز، رهبران الهی با هدف ارتقای سطح بینش جامعه اسلامی، به ویژه درباره ظهور منجی، پیروان خویش را از هلاک شدن در باتلاق استعجال برحذر داشته و سرانجام اهل استعجال را نابودی برشمرده‌اند. براساس داده‌های قرآنی و روایی، دعا برای تعجیل در امر فرج، پسندیده و سفارش شده‌است و این مهم با استعجال که امری مذموم است، دارای تفاوت معنایی و مبنایی است. ناپسند بودن استعجال درباره ظهور امام زمان علیه السلام دو دلیل اصلی دارد: یکم این که مبنای استعجال جهالت است و دوم این که استعجال آسیب‌زاست. آسیب‌های استعجال در دو بعد اعتقادی و فرهنگی - اجتماعی عبارتند از: پدید آمدن روحیه یأس و ناامیدی در مستعجل، خروج از تعادل در مواجهه با رهبر الهی، روی‌آوری به وقاتون، مغرضان و مدعیان دروغین مهدویت، هدر رفت نیروهای جامعه، پیدا شدن تزلزل در باورداشت جامعه و انحراف از مسیر سعادت جامعه. معصومان علیهم السلام برای نجات از ورطه استعجال، دو راهکار اصلی «نگرشی» (تقریب) و «رفتاری» (تسلیم) را ارائه کرده‌اند که با متصف شدن به ویژگی‌های مقربان و اهل تسلیم، می‌توان آن راهکارها را اجرایی کرد. مهم‌ترین ویژگی‌های رفتاری مقربان و اهل تسلیم، انقیاد، ثبات امر، صبر و شرح صدر است. کسی که در هر دو ساحت نظری و عملی از معصومان علیهم السلام پیروی کند و به حکم امام معصوم علیه السلام اعتراض نکند و به همه دستورات رهبران الهی گردن نهد؛ مقرب‌تری است که در عصر غیبت از استعجال در امان خواهد بود و نجات می‌یابد.



## منابع

### قرآن کریم

۱. ابن ابی زینب (نعمانی)، محمد بن ابراهیم (۱۳۹۷ق). *الغیبه*، چاپ اول، تهران، نشر صدوق.
۲. ابن ابی الحدید، عبد الحمید بن هبة الله (۱۴۰۴ق). *شرح النهج البلاغه*، چاپ اول، قم، مكتبة آیت الله المرعشی النجفی.
۳. ابن بابویه، علی بن حسین (۱۴۰۴ق). *الامامة والتبصرة من الحيرة*، چاپ اول، قم، مدرسه امام مهدی علیه السلام.
۴. ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۶۲). *الحصال*، چاپ اول، قم، نشر جامعه مدرسین.
۵. \_\_\_\_\_ (۱۳۸۵). *علل الشرايع*، چاپ اول، قم، کتابفروشی داوری.
۶. \_\_\_\_\_ (۱۳۹۵ق). *كمال الدين وتمام النعمة*، چاپ دوم، تهران، اسلامیه.
۷. \_\_\_\_\_ (۱۴۱۳ق). *من لا يحضره الفقيه*، چاپ دوم، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین.
۸. ابن شعبه حرانی، حسن بن علی (۱۴۰۴ق). *تحف العقول عن آل الرسول صلی الله علیه و آله*، چاپ دوم، قم، نشر جامعه مدرسین.
۹. ابن شهر آشوب مازندرانی، محمد بن علی (۱۳۶۹ق). *مشابهة القرآن ومختلفه*، چاپ اول، قم، دار بیدار للنشر.
۱۰. ابن عاشور، محمد بن طاهر (بی تا). *التحریر والتنویر*، بی جا، بی تا.
۱۱. ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴ق). *لسان العرب*، چاپ سوم، بیروت، نشر دار صادر.
۱۲. اربلی، علی بن عیسی (۱۳۸۱ق). *کشف الغمة فی معرفة الأئمة*، چاپ اول، تبریز، نشر بنی هاشمی.
۱۳. بحرانی، سید هاشم بن سلیمان (۱۴۱۳ق). *مدینة معاجز الأئمة الإثنی عشر و دلائل الحجج علی البشر*، چاپ اول، قم، مؤسسه المعارف الإسلامیة.
۱۴. جزائری، نعمت الله (۱۴۲۷ق). *ریاض الأبرار فی مناقب الأئمة الأطهار*، چاپ اول، بیروت، مؤسسه التاريخ العربی.
۱۵. جعفری، محمد صابر (۱۳۸۶). *اندیشه مهدویت و آسبها*، چاپ دوم، قم، بنیاد فرهنگی حضرت مهدی علیه السلام موعود و مرکز تخصصی مهدویت.
۱۶. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۸). *ادب فنای مقربان*، چاپ اول، محقق: محمد صفایی، قم، نشر اسراء.
۱۷. \_\_\_\_\_ (۱۳۸۹). *امام مهدی علیه السلام و حجة القریب*، موجود موعود، چاپ ششم، محقق: سید محمد حسن مخبر، قم، نشر اسراء.



۱۸. \_\_\_\_\_ (۱۳۸۸). *تفسیر تسنیم*، چاپ دوم، تحقیق: عبدالکریم عابدینی، قم، نشر اسراء.
۱۹. حرعاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹ق). *وسائل الشیعة*، چاپ اول، قم، مؤسسه آل البيت علیهم السلام.
۲۰. حسینی زبیدی، محمد مرتضی (۱۴۱۴ق). *تاج العروس من جواهر القاموس*، چاپ اول، بیروت، دارالفکر.
۲۱. حلی، حسن بن سلیمان بن محمد (۱۴۲۱ق). *مختصر بصائر*، چاپ اول، قم، مؤسسه النشر الاسلامی.
۲۲. خانی، مجتبی (تابستان ۹۸). «*تبیین سازگاری نهی از استعجال و امر به دعا برای تعجیل در فرج*»، نشریه پژوهش‌های مهدوی، قم، شماره ۲۹، ص ۴۸-۲۷.
۲۳. خزاززازی، علی بن محمد (۱۴۰۱ق). *کفایة الاثر فی النص الاثمه الاثنی عشر*، قم، بیدار.
۲۴. خصیبی، حسین بن حمدان (۱۴۱۹ق). *الهدایة الکبری*، بیروت، البلاغ.
۲۵. درویش، محیی‌الدین (۱۴۱۵ق). *إعراب القرآن الکریم و بیانه*، چاپ چهارم، سوریه، الإرشاد.
۲۶. دعاس-حمیدان، قاسم (۱۴۱۲ق). *إعراب القرآن الکریم*، چاپ اول، دمشق، دارالمنیر و دارالفارابی.
۲۷. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ق). *المفردات فی غریب القرآن*، چاپ اول، بیروت، نشر دارالعلم الدار الشامیه.
۲۸. رضایی، علی (۱۳۹۱). *جهان در انتظار ظهور*، چاپ اول، قم، نشر پیام حجت.
۲۹. سمهودی، نورالدین علی بن محمد (۲۰۰۶م). *وفاء الوفاء بأخبار دار المصطفی*، چاپ اول، بیروت، دارالکتب العلمیه.
۳۰. سهرابی، صادق (تابستان ۱۳۹۸). «*چالش استعجال در عصر غیبت*»، فصلنامه مشرق موعود، قم، شماره ۵۰، ص ۴۶-۳۱.
۳۱. شریف رضی، محمد بن حسین (۱۴۱۴ق). *نهج البلاغه*، (صبحی صالح)، چاپ اول، قم، نشر هجرت.
۳۲. \_\_\_\_\_ (۱۴۰۶ق). *خصائص الأئمة علیهم السلام (خصائص أمير المؤمنين علیهم السلام)*، چاپ اول، مشهد، آستان قدس رضوی.
۳۳. شریف لاهیجی، محمد بن علی (۱۳۷۳). *تفسیر شریف لاهیجی*، چاپ اول، تهران، دفتر نشر داد.
۳۴. صافی، محمود (۱۴۱۸ق). *المجدول فی إعراب القرآن و صرفه و بیانه مع فوائد*، چاپ چهارم، بیروت، دارالرشید.
۳۵. طباطبایی، محمد حسین (۱۴۱۷ق). *المیزان فی تفسیر القرآن*، چاپ پنجم، قم، جامعه مدرسین حوزه علمیه.



۳۶. طبرسی، علی بن حسن (۱۳۸۵ق). *مشكاة الأنوار في غرر الأخبار*، چاپ دوم، نجف، المكتبة الحيدرية.
۳۷. طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲). *مجمع البيان في تفسير القرآن*، چاپ سوم، تهران، انتشارات ناصرخسرو.
۳۸. طبری، ابو جعفر محمد بن جریر (۱۴۱۲ق). *جامع البيان في تفسير القرآن*، چاپ اول، بیروت، دارالمعرفة.
۳۹. طبسی، نجم الدین (۱۳۹۷). *توقیت، سلسله دروس خارج مرکز تخصصی مهدویت*، چاپ اول، قم، انتشارات مرکز تخصصی مهدویت.
۴۰. طریحی، فخرالدین (۱۳۷۵). *مجمع البحرین*، چاپ سوم، تهران، کتابخانه مرتضوی.
۴۱. طوسی، محمد بن الحسن (۱۳۹۰ق). *الاستبصار فیما اختلف من الأخبار*، چاپ اول، تهران، دار الکتب الإسلامية.
۴۲. \_\_\_\_\_ (۱۴۰۷ق). *تهذیب الأحکام*، چاپ چهارم، تهران، دارالکتب الإسلامية.
۴۳. \_\_\_\_\_ (۱۴۱۱ق). *الغیبة للحجة*، چاپ اول، تصحیح: عبادالله تهرانی، علی احمد ناصح، قم، دارالمعارف الإسلامية.
۴۴. \_\_\_\_\_ (۱۴۱۱ق). *مصباح المتهدد و السلاح المتعبد*، چاپ اول، بیروت، مؤسسه فقه الشیعه.
۴۵. طیب، سید عبدالحسین (۱۳۷۸). *أطیب البیان فی تفسیر القرآن*، چاپ دوم، تهران، انتشارات اسلام.
۴۶. عاملی، ابراهیم بن علی (۱۴۰۵ق). *المصباح للکفعمی*، چاپ دوم، قم، دارالرضی (زاهدی).
۴۷. عسکری، حسن بن عبدالله (۱۴۰۰ق). *الفروق فی اللغة*، چاپ اول، بیروت، دارالآفاق الجديدة.
۴۸. علیزاده، عبدالرحمان (۱۳۹۴). «آثار و نتایج شتابزدگی در مسئولیت های اجتماعی از دیدگاه قرآن و روایات»، مجله بصیرت و تربیت اسلامی، شماره ۳۴، ص ۱۳۶-۱۱۷.
۴۹. عیاشی، محمد بن مسعود (۱۳۸۰ق). *تفسیر العیاشی*، چاپ اول، تهران، المطبعة العلمية.
۵۰. فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۱۰ق). *العین*، چاپ دوم، قم، هجرت.
۵۱. فیض کاشانی، محمد محسن (۱۴۰۶ق). *الوافی*، چاپ اول، اصفهان، کتابخانه امیرالمؤمنان علی علیه السلام.
۵۲. فیومی، احمد بن محمد مقرئ (بی تا). *المصباح المنیر فی غریب الشرح الكبير للرافعی*، چاپ اول، قم، منشورات دارالرضی.
۵۳. قرآتی، محسن (۱۳۸۳). *تفسیر نور*، چاپ یازدهم، تهران، مرکز فرهنگی درس های از قرآن.
۵۴. قرشی، سید علی اکبر (۱۳۷۱). *قاموس قرآن*، چاپ ششم، تهران، دارالکتب الإسلامية.

۵۵. قمی، علی بن ابراهیم (۱۴۰۴ق). *تفسیر القمی*، چاپ سوم، قم، دارالکتاب.
۵۶. کفعمی، ابراهیم بن علی العاملی (۱۴۰۵ق). *المصباح*، چاپ دوم، قم، دارالرضی.
۵۷. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق). *الکافی*، چاپ چهارم، تهران، دارالکتب الإسلامية.
۵۸. کوفی، فرات بن ابراهیم (۱۴۱۰ق). *تفسیر فرات کوفی*، چاپ اول، تهران، مؤسسه الطبع و النشر فی وزارة الإرشاد الإسلامي.
۵۹. مازندرانی، محمد بن صالح بن احمد (۱۳۸۲ق) *شرح الکافی-الأصول و الروضة*، چاپ اول، تهران، مکتبه الاسلامیه.
۶۰. مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ق). *بحار الأنوار*، چاپ دوم، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
۶۱. \_\_\_\_\_ (۱۴۰۴ق). *مرآة العقول فی شرح اخبار الرسول*، چاپ دوم، تهران، دارالکتب الإسلامية.
۶۲. \_\_\_\_\_ (۱۴۲۳ق). *زاد المعاد- مفتاح الجنان*، چاپ اول، بیروت، مؤسسه الأعلمی للمطبوعات.
۶۳. مصطفوی، حسن (۱۳۸۰). *تفسیر روشن*، چاپ اول، تهران، مرکز نشر کتاب.
۶۴. \_\_\_\_\_ (۱۳۶۰). *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
۶۵. مغنیه، محمدجواد (۱۴۲۴ق). *الکاشف*، چاپ اول، تهران، دارالکتب الإسلامية.
۶۶. مکارم شیرازی و همکاران، ناصر (۱۳۸۲). *پیام امیرالمؤمنین علیؑ، شرح تازه و جامعی بر نهج البلاغه*، چاپ اول، تهران، دارالکتب الإسلامية.
۶۷. \_\_\_\_\_ (۱۳۷۴). *تفسیر نمونه*، چاپ اول، تهران، دارالکتب الإسلامية.
۶۸. میرتبار، سید محمد (۱۳۹۰). *آسیب شناسی جامعه منتظر*، چاپ سوم، قم، نشر بنیاد فرهنگی مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف.
۶۹. نوری، حسین (۱۴۰۸ق). *مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل*، چاپ اول، قم، مؤسسه آل البيت عجل الله تعالی فرجه الشریف.

